

فهرست

۹	درآمد
۲۱	مقدمه
۲۳	سبک‌های جاز
۷۹	نوازندگان و آهنگسازان جاز
۸۲	بادی بولدن
۸۶	لویی آرمسترانگ
۹۵	بسی اسمیت
۹۹	بیکس بایدر - بیک
۱۰۳	دوک الینگتون
۱۱۲	کولمن هاوکینز و لستر یانگ
۱۲۰	چارلی پارکر و دیزی گیلسپی
۱۳۲	مایلز دیویس
۱۴۴	جان کولتران و اورت کولمن
۱۶۳	عناصر جاز
۱۶۳	صدا و ایجاز
۱۶۷	بداهه‌نوازی
۱۷۴	تنظیم
۱۸۰	بلوز
۱۹۴	آوازهای روحانی و انجیلی
۱۹۸	هارمونی
۲۰۵	ملودی
۲۱۳	ریتم، سوینگ
۲۲۴	تعریف جاز
۲۳۵	ادوات جاز

دلایل قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که ذوق کار با فلزات در قاره آفریقا به وجود آمده. تمدن مصری باستانی و آفریقایی است که اثر دست‌ها و نبوغ سیاهان در آن مشاهده می‌شود. قبایلی که به تدریج مصر باستان را تشکیل دادند از نواحی آفریقای شمالی و شرقی بودند. اما درّه نیل تنها مرکز تمدن در قاره سیاه نبود. تاریخ ملّت‌هایی که پیش از ظهور صحرا، در مناطق غرب نیل اقامت داشتند (پیدایش صحرا از قرن چهارم پیش از میلاد آغاز شد)، هنوز به صورت یک راز باقیست، و بخش بزرگی از قاره آفریقا، در جنوب صحرا، هنوز ناشناخته مانده.

میان قبایل بزرگ و کوچک، از جمله یاروبا (تیره‌ای از مائوئاوها که سال‌ها بعد مردم کنیا را تشکیل دادند)، آشاتتی (ساکن جنوب بنین/ نیجریه)، بانتو، پیگمی، بوشمن، هوتوتوت (ساکن جنوب شرقی قاره) مالاگاسی، ایلا، دوگون، فون، و دیگران از اساطیر نیرومندی برخوردارند. در آفریقا صدها قبیله زندگی می‌کنند که به جهت اساطیر مختلف ولی به لحاظات دیگر به‌طور شگفت‌انگیزی شباهت دارند. از وجوه شباهت یکی هم موسیقی است، و ساز نخست ایشان همان تام‌تام است به دلیل عدم وجود کتابت. صوت میان قبایل اهمیّت فوق‌العاده داشته، و تام‌تام از وسایل مهمّ تولید و انتقال معنا بوده است: تام‌تام برای عروسی، برای عزا، جنگ، شکار، و برای همه‌چیز. تام‌تام به زندگی قبایل وارد شده بود و به عنوان مهمّ‌ترین عامل ساختاری فرهنگی ایشان درآمد بود. (با وجود وسایل ارتباطی هنوز هم قبایلی هستند که از زندگی صنعتی وارداتی غربی فاسد نشده‌اند). نباید فکر کنیم چون این مردم به زندگی از نوع اروپایی گردن نهاده‌اند و شهرنشین نشدند، مردمی کودن، پست و بی‌فرهنگند. علت این است که در محدوده جغرافیایی ایشان صنعت اروپایی و آمریکایی کارآمد نیست؛ قبایل هنوز با طبیعت زنده‌اند، و اساس شهرنشینی بر زوال طبیعت است. این مردم اگر کالاها نداشته باشند و اگر در کویر سوزان از پوست گرگ مشک نسازند می‌میرند. شهرنشینی قطعاً نمی‌تواند در صحرا، و کویر ریشه بگیرد و رشد کند. امروز قبایل دشت‌نشین و صحراگرد مجازند شکار کنند، ولی این شکار با همان نيزه‌های قدیمی صورت می‌گیرد؛ تفنگ ندارند و نمی‌خواهند داشته باشند زیرا معتقدند تفنگ سلامت و آرامش روح بزرگ دشت را به هم می‌زند.

مسیحیت و اسلام هر یک کتاب، جهان‌بینی و تعالیم خود را به سیاهان عرضه داشتند. امروز قبایل بسیاری را می‌توان یافت که هنوز هم از سنت‌های باستانی خود حمایت می‌کنند با وجود این که مسیحی یا مسلمانند. (امروز آزادی کامل مذهبی در

اری بکنم. دیگر به آن شکل نمی‌نوازم. جور دیگری می‌زنم، طور دیگری زندگی کنم. این سبک نوتر است، آن یکی مال قدیم بود، ما عوض می‌شویم، جلو برویم.»

۱۸۹۰ – رگتایم. خاستگاه جاز شهر نیواورلئان بود؛ اما معمولاً در چنین مواردی ست و دروغ هم وجود دارد. مورد راستش این است که نیواورلئان مهم‌ترین شهری بود که در پیدایش و تکوین جاز تاثیر داشت، ولی این که تنها شهر موسیقی جاز بود حقیقت داشت. جاز – موسیقی یک قاره، یک قرن، یک تمدن – همه جا با وسعت بسیار در هوا رانده بود، به طوری که امکان نداشت آن را فقط به عنوان محصول منحصر به فرد یک شهر به حساب آورد. موقعیت‌های مشابه در شهرهایی چون ممفیس، سنت لویز، دالاس، کانزاس سیتی و بسیاری از شهرهای جنوب و غرب میانه آمریکا جریان داشت. این نمود البته نشانه و انگ یک سبک واقعی است: مردم مختلف در مکان‌های مختلف مثل هم کار می‌کنند – شبیه هم – کشف‌های هنرمندانه، ولی مستقل از یکدیگر.

معمولاً از مکتب نیواورلئان به عنوان نخستین مکتب موسیقی جاز یاد شده است. اما پیش از آن که نیواورلئان توسعه یابد رگتایم برقرار بود. مرکز رگتایم نیواورلئان نبود، سدالیا بود، در ایالات میسوری، جایی که اسکات جاپلین اقامت داشت. جاپلین، زاده کزاس در ۱۸۶۸، پیانیست پیشروی رگتایم شمرده می‌شد – در اینجا لزوماً باید به نکته‌ای قطعی در باب رگتایم اشاره کنیم: رگتایم موسیقی تصنیف‌شده‌ای بود که پیانو ساز اصلی آن را تشکیل می‌داد. از آنجا که این موسیقی از قبل ساخته و تصنیف می‌شد، قدیمی از ویژگی‌های ذاتی جاز بود – بداهه‌نوازی. با وجود این سوینگ‌های رگتایم بخشی از جاز به شمار می‌آید. در هر حال، به زودی نه فقط روش نوازندگی رگتایم همه‌گیر شد، بلکه قطعات تصنیف‌شده هم به عنوان تم اصلی مایه بداهه‌نوازی قرار گرفت.

قطعات رگتایم با اسلوب نوازندگی پیانو در قرن نوزدهم نوشته می‌شد. شاید بتوانیم گویم که نوازندگی رگتایم شبیه تریو (ارکستر سه نفری) بود، که یک مینوئت کلاسیک می‌نواخت، یا شامل برگردان‌های پی‌درپی بود که معمولاً در والس‌های اشتراوس مشاهده می‌شود. شیوه و شکل نوازندگی پیانو در قرن نوزدهم نیز در رگتایم انعکاس

ق در جاز از سفیدها تشکیل می‌شد: اولین و جلوترین آن‌ها ارکستر اورینال کسی‌لند جاز باند [او-دی-جی-بی] و نیواورلئان ریتم کینگز بود. او-دی-جی-بی که وصول آتی بیشتر در مورد آن سخن خواهیم گفت، با ارکستری پرجمعیت و شیوه نوازی (در این دسته نوازنده تنها وجود نداشت) بسیاری از اولین نمونه‌های معروف را نواخت. در میان این نمونه‌ها تایگرگ، دیکسی‌لند - یک قدم (ضبط شده در ۱۹۱۷) نشن ارکستر جاز (ضبط شده در ۱۹۱۹) بسیار معروفست. اما ارکستر نیواورلئان ریتم گز با دو تک‌نواز برجسته خود، یعنی لئون راپولو (کلارینت)، و جرج برونیس (ترومبون)، برای بداهه‌نوازی‌های ساز تنها جای بیشتری اختصاص داد. قطعاتی که ضبط این گروه نواخته می‌شد در ۱۹۲۲ ضبط شد و در همین دهه به شهرت رسید.

در ۱۹۱۷ او-دی-جی-بی در رستوران ریزن‌وبر واقع در میدان کلمبوس نیویورک نواخت و شور و ولوله زیادی برپا می‌کرد. از آن زمان به بعد واژه «جاز» که معمولاً اس» تلفظ می‌شد در میان مردم شایع گردید. تام براون که در ۱۹۱۵ رهبر ارکستر بد‌های شیکاگو بود اشاره می‌کند که این واژه را برای اولین بار به مفهوم عام استفاده شده است. اما زودتر از این‌ها، در سال ۱۹۱۳، این واژه مستقیماً در رابطه با موسیقی، در نامه سان‌فرانسیسکو به چاپ رسید. قبل از آن «جامس» (و باز هم پیش از آن «جامسم» «جیسم») به عنوان گویش عوام به معنای «سرعت نیرو» در تشویق ورزشکاران - و غالباً به همان اندازه در زمینه جنسی - استعمال می‌شد.

دیگر عادت شده بود که به تمام ارکسترهای جاز سفید در نیواورلئان برجسب کسی‌لند» بزنند و به این شکل آن‌ها را از سبک نیواورلئان جدا کنند، اما خط مرزی بین این دو همچنان سیال و قابل تغییر بود. به‌خصوص سال‌های بعد، وقتی نوازندگان به عضویت ارکسترهای سفید درآمدند - و بالعکس - بحث بر سر سبک نوازندگی آن‌ها به ندرت پیش می‌آمد.

با رگتایم، نیواورلئان، و دیکسی‌لند، تاریخ جاز آغاز می‌شود. آنچه پیش از آن بود، ری بود که مارشال استرنز آن را جاز پیش از تاریخ نامیده است. در آلمان آلفونس م. رتر تحقیقات دامنه‌داری درباره اسناد این دوره پیش از تاریخ به عمل آورده است. اگر می‌با دقت این اسناد را، نه به عنوان ویژگی‌های جاز، بلکه به عنوان آنچه به ریشه‌های یقین آن مربوط است، مورد مطالعه قرار دهد ارزش کار این محقق گرامی برایش نشن می‌شود. بذر جاز در اصل به قاره سیاه تعلق دارد، در آن سرزمین ریشه زده، اما در گام تولد ناشناخته مانده، و حتی امروز هم به خوبی شناخته نشده است. با وجود

کل‌ها و مراحل جاز را حمایت و تغذیه کرده است. ولی به زودی این تجدّدطلبی هم صورت سنتی پیش پا افتاده و کلیشه‌ای درآمد، و نوازندگان سیاهپوست از آن روگردان شدند. (البته نوازندگان نیواورلئان مستثنی بودند، زیرا جاز در نظر آن‌ها یک وسیله بیانی قطعی به شمار می‌رفت، به این ترتیب موقعیت خود را حفظ کردند. سیاهانی که در این تجدّدطلبی از دیکسی‌لند فاصله گرفته بودند، از دیدگاه نوازندگان نیواورلئان دیگر از بیعت و رسالت برخوردار نبودند - و این برخی از علاقمندان جاز را به حیرت می‌انداخت.)

اتورها گرچه با سوداگری و تجارت در سبک دیکسی‌لند مبارزه می‌کردند، ولی همچنان که صاحب عنوان می‌شدند و موقعیت‌های حرفه‌ای به دست می‌آوردند، سانس می‌کردند قربانی شده‌اند. در دهه ۵۰ آماتورهای سفیدپوست با برگزیدن کسی‌لند به احیای آن پرداختند و آن را به انحصار خود درآوردند.

بعد از جنگ دوّم بین‌الملل، در سن - ژرمن - دِپره، نوازندگان جاز عامل اصلی تیشی سنتی بودند، و توسط اگزیستانسیالیست‌ها حمایت می‌شد. نوازندگان جوان اگزیستانسیالیست به زودی دریافتند که فلسفه و اندیشه‌های ایشان با اضطراب و قراری آن دوران هم‌خوانی بیشتری دارد و با موسیقی شاد و آزادی که نماینده تفکر قید و بند اوایل قرن بیستم بود مربوط نمی‌شود. از این‌رو توجه نوازندگان جوان به کل‌های باب روز جلب، و مرکز این جنبش به انگلستان منتقل گردید. در آن کشور نیز نوسرت‌های دیکسی‌لند که در دهه ۵۰ برگزار می‌شد اغلب همان مقاصد تجارتي را بیال می‌کرد، و در معرفی خوانندگان راک - اند - رول توفیق زیادی به دست آورد.

در این بخش نیز رقابت بیبوپ و دیکسی‌لند مثل گذشته داغ بود. شنوندگان و لاقمندان جاز اختلاف و تباین موجود میان این دو رقیب را به روشنی تشخیص می‌دادند. وارد تضاد زیاد بود. امروز این دو قطب مهم - مخصوصاً پس از پیدایش جاز آزاد در دهه ۶۰ - به هم نزدیک شده‌اند آنطور که جوانان مشتاق و عشاق جاز موارد اختلاف را نندان تمیز نمی‌دهند. در نظر آن‌ها چارلی پارکر در سنت جاز، و جاز سنتی تقریباً باوتی بالویی آرمرانگ ندارد.

در توضیح بیبوپ واژه‌هایی چون «شتابناک، عصب‌شکن، ملودیک، سر و صدای خود و تندخویانه» آوردیم. ولی علیرغم آنچه در صحنه امور «شتابناک»، «عصب‌شکن»، و «بیخود» و «تندخویانه» به نظر می‌رسد جاز دهه ۴۰ برای جوانان، از یک تمامیت و کامل کلاسیک برخوردار است. فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که شنوندگان و منتقدان جاز امروز از این پیشرفت بیاموزند و در تعبیر واژه‌ها و دریافت‌های خود احتیاط بیشتری